

نقش مؤلفه‌های درون متنی در کشف محور سوره مبارکه احزاب در دو بعد بنیادی و کاربردی

فاطمه علائی رحمانی^۱، نجمه کاظمی^۲، فرشته معتمد لنگرودی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲)

چکیده

متن کاوی سوره قرآنی در جهت اخذ غرض سوره، از جمله مباحث مهم در تفسیر آن‌ها بوده که از دیرباز مورد تحلیل و بررسی اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف کشف غرض سوره مبارکه احزاب سعی در ارائه سیاق درونی و تفهیم غرض اصلی سوره را داشته است. به منظور دست‌یافتن به این مهم، این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد کتابخانه‌ای به تبیین و تحلیل سیاق و ساختار محتوایی و مضامین درونی و ارکان آن به منظور کشف غرض کاربردی سوره پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سوره مبارکه احزاب با توجه به مدنی بودن آن در دو بعد شناختی و کاربردی، دارای غرض منحصر به فردی است؛ چرا که در مرحله مدنیّت اسلام به مرحله‌ای رسیده که افراد نیازمند تقویت ایمان و نمود یافتن آن در اعمال خود و به عبارتی به دنبال اتخاذ راهکار برای مسئله و موضوعی هستند. لذا غرض از این مهم در بعد بنیادی و شناختی «خداشناسی در پرتو ایمان راسخ و تقوا محوری» و نیز در بعد عملی و کاربردی دارای غرض «اطاعت از خدا و رسول او (انجام اعمال صالح) و پیروی نمودن از غیر حق» بوده است.

واژگان کلیدی: اطاعت، ایمان، تقوا، خداشناسی، سوره احزاب، عمل صالح.

Email: f.alae@alzahra.ac.ir

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)؛

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)؛ (نویسنده مسئول)

Email: r.kazemi502@gmail.com

Email: f.motamad@alzahra.ac.ir

۳. پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)؛

۱. مقدمه

یکی از ابعاد شگفت‌انگیز قرآن کریم، تناسب آیات آن با یکدیگر است که از این تناسب، محور و غرض واحدی به دست می‌آید. کشف محور سوره‌های قرآن کریم، از جمله موضوعات مهم و کارآمد با هدف دسترسی به سیاق محتوایی مفاهیم سور قرآنی است که در معرفی انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش به‌سزایی دارد. فهم این غرض، مفسر را یاری می‌کند تا در پرتو آن بتواند به مقاصد و جزئیات هر سوره دست یابد [۱۲، ص ۹]. برخلاف نظر مستشرقان که آیات هر سوره را منقطع و بی‌ربط تلقی می‌نمایند [۳۱، صص ۲۹-۳۰]، باید بیان داشت، آیات هر سوره ارتباط تامی با سراسر سوره و سور قبل و بعد از آن دارد [۲۰، ج ۱، ص ۱۴]. از این‌رو، محققانی چون برهان‌الدین بقاعی در کتاب *نظم الدرر فی تناسب الایات و السور از متقدمان و علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن*، سید قطب در *فی ظلال القرآن و سعید الحوی در الأساس فی التفسیر*، از جمله متأخران عرصه پژوهشی (ساختارشناسی یک سوره) بوده‌اند که هریک با رویکرد ویژه‌ای به این مسئله پرداخته‌اند. در راستای اهمیت و نقش سیاق سور در پیوستگی و انسجام معنا و مفهوم، آن‌را به مثابه هرگونه دال و نشانه‌ای که با لفظی که فهم آن مقصود است، خواه آن دال و نشانه لفظی باشد، یا آن دال و نشانه غیرلفظی باشد، دانسته‌اند [۱۸، ج ۱، ص ۱۳۰]. براین اساس سیاق، مجموع قراین و نشانه‌هایی است که در معنادگی به واژگان و جمله‌ها تأثیرگذار است؛ اعم از اینکه نشانه‌های لفظی و یا برگرفته از حالات و مناسبات زمانی و مکانی گوینده باشند [۳۰، ص ۲۱]. بنابراین یکی از راه‌های درک معانی و محور درست واژگان و ترکیب‌های قرآن کریم قرینه سیاق بوده که مشخص‌کننده معنای درونی یک بخش و یا سوره است.

سوره احزاب، بر اساس ترتیب فعلی، سی و سومین سوره قرآن کریم و بر اساس ترتیب نزول، نودمین سوره قرآن کریم می‌باشد که به اتفاق مفسران مدنی و مشتمل بر هفتاد و سه آیه است [۲۲، ج ۸، ص ۳۱۱؛ ۱۷، ج ۵، ص ۱۷۹]. محوریت سوره بر پایه تشریح و تفصیل احکام و با خطاب به مؤمنین و پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و آرائه و راهکارهایی با بیانی ملایم و آرام و فارغ از خطاب (ایهاالناس) آیات شروع شده است؛ لذا حیطة برخورد با اهل کتاب و دعوت آنان به میانه‌روی در عقاید و افکار و نیز مبارزه با منافقین و ذکر خصایص و صفات آنان از ویژگی‌های این سوره است. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، با رویکرد اسنادی، به تحلیل سیاق

درون متنی سوره احزاب با تاکید بر شاخصه‌ها و معیارهایی چون وجه ارتباطی موضوعات، بررسی اسماء الحسنی و واژگان پرتکرار و تک‌کاربرد، افتتاح و نیز اختتام آیات در راستای استخراج بُعد کاربردی و عملیاتی در مواجهه دو جامعه ایمانی و جامعه نفاق پردازد، تا بدین وسیله وجه عملیاتی مفاهیم و غرض سور قرآن بیش از پیش مشخص شود.

در باب پیشینه نوشتار حاضر باید بیان داشت، محققانی چون حکم آبادی و همکاران (۱۳۹۸) و بیات (۱۳۹۶) به بحث و بررسی سوره مبارکه احزاب با تأکید بر انسجام لفظی سوره، فارغ از مؤلفه‌های درون متنی و سیاق موضوعی به این مهم پرداخته‌اند و در باب تبیین وجه بنیادی و کاربردی با تأمل در مؤلفه‌های درون متنی چون افتتاح، اختتام و نیز اسماء الحسنی و توجه در غرض محتوایی هر یک از مؤلفه‌ها در مواجهه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مثابه راهکار هدایتی نوشتار مستقلی صورت نگرفته است. لذا می‌توان رویکرد نوآورانه پژوهش را در زمره یافتن و ترسیم کشف محور سوره احزاب در دو وجه بنیاد و کاربردی - هدایتی، عنوان نمود که کاربست آن در دیگر سور قرآنی می‌تواند گامی در جهت کشف غرض سور باشد. برای رسیدن به این مهم در بخش ابتدایی به تبیین سیاق و راهکارهای هدایتی (کاربردی) به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و در بخش دوم به تبیین معیارها و شاخصه‌های محتوایی (بنیادی) با استفاده از موارد مذکور خواهیم پرداخت.

۲. سیاق درون متنی سوره احزاب

رویکرد کلی سوره احزاب نحوه مواجهه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با ایذاء منافقان و مشرکان با محوریت جنگ احزاب بوده به این معنا که در آیات ابتدایی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به اطاعت از فرامین الهی و تقوای الهی و توکل بر خداوند و پیروی نکردن منافقان امر نموده است. این مهم در حالی است که در انتهای هر یک از آیات ابتدایی از اسماء الحسنی مبرزی استفاده و انتهای آیات این بخش به مکفی بودن خداوند بر همه بندگان تأکید داشته است. در سیاق دوم، با تأمل در رویکرد قانون گذاری سور مدنی، به تبیین فضا و سیاق و خرافات جاهلیت چون ظهار، احکام فرزند (پسر) خواندگی در آن برهه زمانی اشاره شده است. بخش سوم و چهارم حاکی از مهم‌ترین بحث سوره و دلیل نام گذاری آن، جنگ احزاب و شرایط و ضوابط مربوط به آن و نیز بیانگر مسائل مرتبط با همسران پیامبر و چگونگی رفت و آمد و ازدواج و ... بوده است. در این بخش عبارت

«نساء النبی» تنها در این سوره دو مرتبه به کاررفته است که نشانگر اهمیت جایگاه اجتماعی زنان پیامبر در جامعه آن زمان داشته تا جایی که آن‌ها مورد خطاب مستقیم خداوند قرار گرفته‌اند. بخش‌های پایانی سوره به صورت مکرر به دلداری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در برابر ایداء منافقان و کافران پرداخته و با تبیین و تمایز اوصاف و جایگاه مؤمنان و کافران و به مسئله معاد و امانت الهی که همان ولایت الهی بر مردمان است، اشاره داشته است. جدول ذیل بیانگر مباحث مرتبط، با توجه در شاخصه اسماء الحسنی در تعیین محور سوره خواهد بود.

شماره آیات هر دسته	سیاق محتوایی و نقاط تمرکز	اسماء الحسنی
۳-۱	دعوت به تقوا و نافرمانی منافقان نسبت به پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> و توکل به خداوند	خبیر، علیم، حکیم، کفی بالله و کیلا
۱۰-۴	خرافات جاهلی: ظهار و پسرخواندگی	بصیر، غفور، رحیم
۲۷-۱۰	جنگ احزاب، تفکیک میان مؤمنان و کافران	ذکر، غفور، رحیم، ذکر، قویا، عزیز، قدیر
۳۶-۲۸	امور مربوط به همسران پیامبر و تبیین نوع ارتباطات آنان با دیگران	لطیف، خبیر، ذکر
۴۰-۳۷	جواز ازدواج با همسر پسرخوانده	حسیبا، قدیر، علیم
۴۸-۴۱	تسلیت و دلداری به رسول خدا <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> و دعوت به تذکر الهی	ذکر کثیرا، سبح، قدوس، کریم، رحیم، کفی بالله و کیلا
۵۹-۴۹	تبیین مسائل طلاق، حجاب، حدود و ثغور ازدواج پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> و تذکر به حفظ حریم شخصی پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> در منزل	رحیم، غفور، عظیم و حلیم
۷۳-۶۰	بازگشت به مسئله معاد و سنت الهی در اعطا پاداش و جزاء	غفور، رحیم

۱.۲. سیاق اول: ابطال رسومات جاهلیت

با توجه به شأن نزول سوره و رد خواسته منافقان از جانب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، اعمال فشار آنان بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به بهانه اقدام آن حضرت به ازدواج با زینب، مطلقه

پسر خوانده خود (زید)، (اقدامی مخالف با فرهنگ جاهلی و متعصبانه حاکم بر جامعه) بیشتر شد که با استفاده از رسومات جاهلی چون ظهار و ازدواج با همسر پسرخوانده همراه بوده و طیفی از مؤمنان ضعیف‌الایمان را با این جریان همراه ساخته است. در جاهلیت عمل دعاء و تبنی دائر و معمول بوده است؛ وقتی کودکی را پسر خود می‌خواندند، احکام فرزند صلبی را در حق او اجراء می‌کردند، اگر دختر بود ازدواج با او را حرام می‌دانستند و چون پدر خوانده می‌مرد، به او نیز مانند سایر فرزندان ارث می‌دادند و همچنین سایر احکام پدر و فرزند را در باره او اجراء می‌کردند که اسلام این عمل را مردود اعلام داشت [۲۰، ج ۱۶، ص ۲۷۵؛ ۲۶، ج ۱۸، ص ۲۵۷].

به منظور اهمیت و توجه دادن آن حضرت از پیروی وحی الهی و پرهیز از اطاعت کافران و منافقان در پرتو ابطال فرهنگ جاهلی، پسر پنداشتن ذاتی و حادثه ظهار را محور قرار داده و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به مقاومت در برابر فشارهای منافقان و کافران فرا خوانده است. در گام دوم، مؤمنان را به یاد جنگ احزاب انداخته و از این طریق، ماهیت فضای کنونی و نقش منافقان و مؤمنان حقیقی را در این فضا گوشزد می‌فرماید. آنگاه متوجه همسران پیامبر شده و آنان را نسبت به اظهارات و رفتارشان در قبال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نصیحت می‌کند. پس از همه این اقدامات اساسی، حیثیت مصداقی مسئله مورد بحث، ازدواج پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با زینب را در سیر آیات چهارم تا سی و ششم تحلیل و هر گونه شائبه و شبهه را از آن می‌زداید. در این راستا چندین عامل، زمینه اعمال فشار بر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را فراهم ساخت: اول، مؤمنان درک درستی از اولویت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به خود ندارند و در نتیجه نادانسته، منافقان را در اعمال فشار بر آن حضرت همراهی می‌کنند. دوم، موقعیت مناسب همسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را نمی‌شناسند و با تصویری نادرست درباره ایشان به تبعیت از آنان می‌پردازند و این امر بر خلاف جهت صحیح است. سوم، درک مناسبی از اولویت بستگان رحمی نسبت به یکدیگر ندارند و روابط ایمانی و سوابق هجرت و امثال آن‌را، بر روابط نسبی مقدم می‌شمارند و در نتیجه، تبنی اعتباری و نظیر آن (اخوت اعتباری دینی) را بر روابط نسبی پیشی می‌دهند. لذا این سه عامل را شناسایی و در صدد خنثی کردن تأثیرات آن بر آمده است.

۲.۲. سیاق دوم: جنگ احزاب و وقایع ناظر به آن

در فضای سوره، مؤمنان از نعمت خدا بر خود در جنگ احزاب غافل و نیازمند توجه به

جنگ و وقایع آن هستند. از این‌رو، آنان را به یادآوری نعمت خدا بر ایشان در جنگ احزاب توصیه کرده، تا در صحنه ابتلای فعلی، فریب منافقان را نخورند؛ چرا که گروهی از منافقان، مردم مدینه را به ترک میدان جنگ فرامی‌خوانند و گروهی دیگر با بهانه‌های واهی، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اذن ترک میدان می‌گیرند. در این صحنه پر تلاطم، خداوند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را فرمان می‌دهد به آنان بگوید: فرار از مرگ یا قتل، سودی به حال شما نخواهد داشت و در صورت فرار، جز مدت اندکی، بهره مند نخواهید شد؛ در انتها یادآوری عملکرد منافقان در صحنه جنگ احزاب با استفاده از عملی نمودن تقوا در اعمال و پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و عدم اطاعت از کفار در جنگ اطلاع داده، در این راستا از منافقان به عنوان گروهی بازدارنده و بازمانده یاد می‌کند [۴، ج ۵، ص ۳۳۰]. پس از تبیین رفتار منافقان، ماهیت بی‌ایمان و بدعهد آنان افشا شد، مؤمنان حقیقی و پیروزمندان صحنه ابتلای جنگ احزاب را به عنوان الگویی مناسب در ایمان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اطاعت از ایشان می‌شناساند؛ لذا در این باره به تبیین اوصاف مؤمنان الهی در پرتو تقوا و اثرگذاری این مقوله به عنوان تقویت بعد روحی و سپس پیروی و یا عدم پیروی از آنان در بعد عملی پرداخته شده، تا بدین وسیله میان آنان با منافقان تفکیک شود. راهکار هدایتی معرفی شده در فضای مذکور با استفاده از تعریف و شناساندن دو گروه منافقان و مؤمنان حقیقی در این ابتلاء و اثبات صحت عملکرد مؤمنان در این مسیر و اختصاص جزا و پاداش با رویکرد تقوا محوری به هریک از طرفین بوده است.

۳.۲. سیاق سوم: توجه دادن همسران پیامبر به خویشتن‌داری در امور

در آیات ۲۸-۳۵، فضای سوره را می‌توان، فضای اعمال فشار بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ترسیم کرد که با ابطال پسر دانستن پسر خوانده‌ها، توسط منافقان، نقش هدایتی خود را ایفا نمود. بخش دوم با یادآوری جنگ احزاب و نقش منافقان و مؤمنان حقیقی، بینشی صحیح و جامع همراه با عبرت، نسبت به این فضای پر تنش ارائه داد. بخش سوم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به نصیحت همسران خود توصیه می‌کند و خود نیز، مجموعی از اوامر و نواهی را خطاب به همسران آن حضرت ایراد می‌کند. این اقدام هدایتی، حاکی از آن است که همسران پیامبر اسلام در فضای اعمال فشار بر آن حضرت، نیازمند نصیحت و راهنمایی هستند. برخی از همسران آن حضرت با رویکرد دنیاگرایانه از چارچوب اطاعت خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله خارج شده و به عنوان ابزاری به سود منافقان در فضای اعمال

فشار بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عمل می‌کنند. خداوند به طور مستقیم آن زنان را مخاطب قرار داده و باز نسبت به نتیجه دو عملکرد آنان را متنبه نموده است. در این مهم چون سیاق، آنان را به داشتن تقوای الهی در عمل خود و ارتباط با دیگران فراخوانده است [الأحزاب: ۳۲]؛ این علو مقام نیز به موجب تقوی است، در این آیه همسران نبی را از خضوع در کلام نهی می‌کند. خضوع در کلام به این معنا که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد. نصایح مشفقانه خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به همسران رسول الله و تقوا داشتن در تمام روابط و نهی ایشان از دنیاگرایی، گناه و ایفای نقش منفی اجتماعی به عنوان ابزار منافقان در اعمال فشار بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است.

امر همسران به اطاعت از خدا و رسول او در مسیر مواجهه با منافقان با ارائه الگو بودن همسران پیامبر و تأمل در جایگاه اجتماعی و نقش آنان در نگاه افراد به آنان از جمله راهکارهای مواجهه با منافقان به شمار می‌آید. چرا که برخی از همسران آن حضرت، به بهانه ابطال برخی از نموده‌های فرهنگ جاهلی، نقش‌آفرینی منفی دارند و خدای سبحان با هشدارها و دستورات خود، درصدد اصلاح آنان برآمده است [۳۶، ج ۸، ص ۸۹]. بر همین اساس در آیه سی و سوم اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از این نگاه، مستثنی و بر عصمت آنان تأکید شده، تا مؤمنان دریابند که باید به جای تاسی به همسران رسول خدا، به اهل بیت او علیهم‌السلام تاسی کنند زیرا همسران آن حضرت از اشتباه و گناه مصون نیستند و حتی ممکن است، ابزار اعمال فشار منافقان بر رسول خدا واقع شوند، ولی اهل بیت علیهم‌السلام ایشان با اراده الهی، از هر رجس و پلیدی به دورند و خدا آنان را پاک و پاک‌کننده دیگران قرار داده است [الأحزاب: ۳۳].

۴.۲. سیاق چهارم: صدور حکم در پرتو تقوای الهی (جواز ازدواج با زینب مطلقه زید)

در آیات ۳۶-۴۰ اعمال فشار بر رسول خدا از سوی منافقان و کافران، به بهانه ابطال دو فرهنگ جاهلی «پسر دانستن پسرخوانده‌ها» و «مادر پنداشتن زنان مطلقه از طریق ظاهر» و به‌ویژه ابطال فرهنگ دوم است. در کلام چهارم به تبیین و چرایی ابطال فرهنگ

جاهلی دوم، بهانه اصلی منافقان در اعمال فشار بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته است. بر اساس این کلام، خداوند در راستای ابطال اعتقاد عمومی به پسر بودن پسرخوانده و جاری کردن احکام پسر رحمی بر پسرخوانده، زینب، مطلقه زید، پسرخوانده رسول خدا، خود را به ازدواج آن حضرت درآورد، تا همگان به خوبی بفهمند که پسرخوانده، پسر نیست و احکام پسر بر او جاری نمی‌شود و حتی می‌توان با همسر مطلقه او ازدواج کرد، برخلاف همسر مطلقه پسر واقعی که تا ابد محرم انسان است و نمی‌توان با او ازدواج کرد [۱۳، ج ۱، ص ۳۹۱]. زینب پس از طلاق از زید، در پذیرش زوجیت رسول خدا مردد است و این امر می‌تواند به خاطر نگرانی از دیدگاه مردم درباره این ازدواج باشد. از این‌رو، خداوند می‌فرماید: هیچ مرد و زن مؤمنی، حق اعمال اختیار در تصمیمات قطعی خدا و رسول او را ندارد و این نافرمانی خدا و رسول و گمراهی آشکار و خدا برای خشیت سزاوارتر است. به محض طلاق زینب از سوی زید، او را به ازدواج پیامبر خود درمی‌آورد تا در ازدواج با زنان مطلقه پسرخوانده، حرجی نباشد و امر خدا انجام یافته شود [همان، ص ۳۹۲]. هدف از این اقدام الهی، برچیدن فرهنگی جاهلی، به صورت قطعی و عملی بوده است. سپس خداوند در انجام مباحات، از پیامبر خود نفی حرج کرده و آن را سنت الهی انبیای گذشته معرفی کرده است. بدین معنی که پیامبران و از جمله پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در انجام مباحات منعی ندارند. سپس در آخرین آیه این بخش به پدر نبودن پیامبر برای امت اشاره داشته و از این طریق، بار دیگر می‌فهماند که چون زید پسر رسول خدا نبوده است، ازدواج با مطلقه او بر آن حضرت حلال است؛ بنا بر توضیحات فوق راهکار مقابله با این جریان تحلیل الهی اقدام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ازدواج با زینب، به عنوان انجام وظیفه رسالت و به رغم نگرانی از عواقب اجتماعی این اقدام در پاسخ به اعمال فشار کافران و منافقان بوده است [۱۴، ج ۲، ص ۳۲].

۵.۲. سیاق پنجم: راهکارهای هدایتی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (تقوا، تسبیح، ذکر) در مجموعه آیات ۴۸-۴۴، برخی از مؤمنان فریب‌خورده، از جریان فشار علیه آن حضرت خارج شده و بقیه منافقان، معاندانه به اعمال فشار و ایذاء علیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ادامه داده‌اند. خداوند در چنین فضایی، جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خود را به عنوان رسول شاهد و مبشر و منذر و دعوت‌کننده به سوی خدا با اذن او و چراغی نور افشان بیان می‌کند؛ با این سخنان، هم قلب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در برابر اعمال فشار و ایذاء منافقان تثبیت و تقویت و هم مؤمنان و دیگران را نسبت به موقعیت الهی پیامبر، بیش از پیش آگاه

می‌سازد. مجمع‌البیان بر این مفهوم صحه گذاشته و مبشر بودن را به منزله عدم اطاعت از منافقان در بعد عملی تقوای الهی داشتن قرار داده است [۲۱، ج ۲۰، ص ۱۴۰]. در این راستا خداوند مردم را به ذکر و یاد الهی و سراسر تسبیح ذات اقدس او فراخوانده است. هدف از توصیه مؤمنان به یاد خدا و تسبیح او در آیات مستقل پس از تبیین نفاق و عملکرد کافران آن است که بیش از پیش در معرض صلوات خدا و ملائکه قرار گرفته و از ظلمات (همراهی با منافقان)، به سمت نور (اطاعت از رسول خدا و حفظ جایگاه آن حضرت) خارج شوند. ذکر خدا بر دو وجه است: ذکر به دل و دیگری، به زبان. ذکر دل آن است که باید لحظه‌ای خدا را فراموش نکند، تسبیح خداوند از مسیر ذکر رخ می‌دهد؛ چرا که فرد با نظر در آفاق هستی آیات الهی را دیده و پس از آن با فکر و عقل و رفتار و اعمال خود آن را تسبیح می‌نماید [۲۶، ج ۱۸، ص ۳۲۶]. علامه(ره) این آیات را در مقام دعوت مؤمنان به ذکر و تسبیح دانسته و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را با صفات کریم خود، خطاب نموده و به او دستور می‌دهد که به مؤمنان بشارت دهد و کفار و منافقان را اطاعت نکند؛ چرا که اطاعت چیزی جز ایمان ناب در راستای تقوای الهی نیست [۲۰، ج ۱، ص ۴۹۲].

۲.۶. سیاق ششم: تفصیل تشریحی احکام

در آیه ۴۹ پس از حل الهی بحران ناشی از ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، اولین بهانه منافقان برای ادامه اعمال فشار و ایذاء پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، این است که بر فرض قبول حلیت ازدواج با همسر مطلقه پسر خوانده، چرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرصت نگهداری عده را به او نداد و بی وقفه و به محض طلاق زینب از سوی زید، با او ازدواج کرد. منافقان می‌خواهند با اشاعه این شبهه، باز هم حمله خنثی شده خود را احیاء کرده و جریان ایذاء را راه‌اندازی کنند. خداوند در برابر این شبهه، حتی بدون طرح اصل آن، به پاسخ می‌پردازد و در مقام تحقیر، نامی از منافقان نمی‌برد و می‌فرماید: ای مؤمنان طلاق قبل از مس، عده ندارد. بنابراین خداوند ایذاء منافقان نسبت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را با زیر سؤال بردن ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با زینب، بدون عده خنثی نمود. خطاب «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» همانند سایر سور مدنی در این آیه دال بر مفهوم ایمان به عنوان پیش زمینه اصلی و مهم تقوای الهی است؛ لذا در پرتو مفروض نمودن این اصل یک حکم الهی را تشریح نموده و توطئه منافقان را خنثی می‌سازد و به طور ضمنی یک قانون را برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پیروان ایشان بیان می‌نماید [۲۳، ج ۱۰، ص ۵۱۷].

اما بهانه دیگر منافقان چرایی عدم رعایت عدالت از جانب پیامبر نسبت به تقدیم و

تأخیر و تعطیل نوبت همسران است که خداوند از آزادی کامل اعطایی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این حیطة سخن می‌گوید و آن‌را به‌روشنی چشم همسران و عدم ناراحتی و رضایت ایشان نزدیک‌تر می‌داند و مقید نسازد که هر شب به خانه یکی برود، حتی اگر تقسیم کرد، می‌تواند این تقسیم را به هم بزند و یا نوبت کسی را که مؤخر است مقدم، و آن کس را که مقدم است مؤخر کند، و یا آنکه اصلاً با یکی از همسران متارکه کند و قسمتی به او ندهد، و یا اگر متارکه کرده، دوباره او را به خود نزدیک کند [ج ۲۰، ص ۱۶، ص ۵۰۴]. این محدودیت برای شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقصی محسوب نمی‌شود و حکمی است که فلسفه حساب‌شده‌ای دارد، چرا که ایشان با سایر مردم عادی، در گزینش همسر و رعایت عدالت تفاوت دارد [ج ۳۵، ص ۱۷، ص ۳۹۱].

یکی دیگر از اقدامات منافقان، عادی‌سازی دیدگاه‌هایی درباره همسران پیامبر و رفتارهایی نامناسب با ایشان است. از یک‌سو، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تعداد زیادی همسر دارند و از سوی دیگر، تبلیغات منفی منافقان علیه شخصیت آن حضرت و نشان دادن چهره‌ای غیراخلاقی از آن مقام، منحصر به فرد هم تمام نشده است. این دو عامل در کنار هم، زمینه‌ساز ایذائی جدید را فراهم آورده است. تا جایی که برخی بدون اذن، وارد خانه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌شوند. پیش از موعد میهمانی می‌روند و بعد از میهمانی به گپ و گفت‌وگو با همسران رسول خدا می‌نشینند. با حریم و حجاب نامناسب، از همسران آن حضرت، متاع می‌ستانند و حتی گام را فراتر نهاده، نیت ازدواج با همسران آن حضرت پس از وفات ایشان را چه به‌صورت پنهانی و یا آشکار در سر می‌پروراند [ج ۷، ص ۴، ص ۲۳۷؛ ج ۲۲، ص ۸، ص ۳۵۸]. خداوند در این فضای آزاردهنده، مؤمنان را مخاطب قرار داده و نسبت به همه این رفتارها و اندیشه‌های غلط، نصیحت و راهنمایی می‌کند و موارد جواز تعامل آزادانه را برای ایشان برشمرده و آنان را در غیر این موارد به تقوای الهی فراخوانده و از شاهد بودن و علیم بودن خدا بر همه چیز سخن گفته است. لذا بر اساس عملکرد منافقان و آزار آنان نسبت به نبی الهی، خداوند در پایان این بخش بیان داشته است: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كَتَبْنَا لَهُمْ أَنْ يَكْتَسِبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» [الأحزاب: ۵۸].

خداوند به طور ضمنی به برشماری صفات اهل ایمان پرداخته و شرایط و ضوابطی را برای تعامل با رسول‌الله بیان داشته‌اند تا بدین وسیله، افراد و دوستداران حضرت نسبت به نیات باطنی و ظاهری آنان به این شرایط آگاه شده و با استفاده از این آگاهی، به

تقویت آن در ارتباطات خود با همسران پیامبر بپردازند. در آیات نهایی این بخش، بر یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن از دو طریق اقدام می‌کند: نخست به زنان با ایمان دستور می‌دهد که هرگونه بهانه را از دست مفسده‌جویان بگیرند [الاحزاب: ۲۹]، سپس با شدیدترین تهدیدی که در آیات قرآن کم نظیر است، منافقان و مزاحمان و شایعه‌پراکنان را مورد حمله قرار می‌دهد. واسطه کردن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این توصیه، می‌تواند حاکی از جنبه حکومتی توسعه و تثبیت حجاب در جامعه ایمانی باشد. در ادامه، بابیانی استوار و پر از تهدید، منافقان و بیماردلان و شایعه افکنان را به طور غیرمستقیم به دست برداشتن از ادامه ایذاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مؤمنان و مؤمنات و تعدی به آزار زنان فراخوانده است؛ چرا که در غیر این صورت تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند [۲۹، ج ۱، ص ۹۴۷؛ ۳۶، ج ۸، ص ۸۹؛ ۱۶، ج ۵، ص ۲۸۸۰]! و این عذاب و نکالی که به منافقان و آن دو طایفه دیگر وعده داده شده، سنتی است از خدا که در امت‌های پیشین نیز جاری ساخته است [۲۰، ج ۱۶، ص ۵۱۱].

۷. ۲. سیاق هفتم: حفظ ولایت الهی و بازگشت به معاد

منافقان و بیماردلان، با خیال آسوده از امنیت خود در دنیا و در جهت تأمین پشتوانه روانی ایذاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مؤمنان، نسبت به وقوع قیامت در میان مردم تردید ایجاد می‌کنند. تا جایی که مردم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره با تمسخر و منکرانه پرسش می‌کنند [۳، ج ۱۱، ص ۲۶۷]. مفسران متعددی بر جریان تمسخر در جهت ایذاء روحی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره داشته و مقدمات مطرح شده را یادآور و تأیید نموده‌اند [۲۷، ج ۱، ص ۴۲۴؛ ۳۴، ص ۲۲۱]. لذا این برای تسلیت حضرت(ص) است؛ به این معنا که ای محمد بدان که قیامت نزدیک می‌رسد، پس باید که به سبب استهزاء ایشان یا جفای آن غمگین نگردی، به درستی که خدای لعن کرده است و از رحمت خود دور کرده ناگرویدگان را، یعنی منکران حشرونشر و آماده کرده است برای عذاب ایشان آتشی به‌غایت افروخته است [۲۸، ج ۷، ص ۲۳۶]. برخی از افراد، با جریان ایذاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از سوی منافقان همراه‌اند و با سخنانی ناروا، نسبت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایشان را می‌آزارند و آبروی آن حضرت را باکم تقوایی خود، خدشه‌دار می‌کنند، خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده و از همانندی با آزاردهندگان موسی علیه‌السلام باز می‌دارد.

در بخش گذشته از انبیای اولوالعزم و در رأس آنان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله میثاق گرفته است. با توجه به سیاق و تعاریف مفسران از مصداق امانت منظور از آن میثاق بر ولایت است. به این معنا که خدا از ایشان عهد گرفته که واسطه ولایت او بر بندگان باشند. آنگاه اضافه کرد که بندگان را نسبت به این میثاق، یعنی پذیرش ولایت پیامبران علیهم‌السلام و در حال حاضر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله آزمایش می‌کنیم، تا صادقان را جزا داده و کافران را عذاب کنیم، سپس با در نظر گرفتن جنگ احزاب، برخی صدق خود را در این آزمایش الهی به اثبات رساندند و به جزای خود رسیدند و برخی گرفتار بدعهدی و نفاق شدند و وضعیت معلقی پیدا کردند. فخررازی در این زمینه به آثار و نتایج تقوا چون ترک شر و انجام اعمال خیر اشاره داشته و دستاورد نهایی آن‌را در قول سدید معنا نموده است [۲۵، ج ۲۵، ص ۱۸۶]. چنان‌که در ادامه آیات نهایی می‌فرماید: «يُصَلِّحُ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»؛ در حقیقت تقوا پایه اصلاح زبان و سرچشمه گفتار حق است، و گفتار حق یکی از عوامل مؤثر اصلاح اعمال و اصلاح اعمال سبب آمرزش گناهان است که در این صورت مزد او را دو مرتبه است. یکی برای اطاعت الهی و دیگر برای رضایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله [۳۳، ج ۱۰، ص ۴۳۶]. در آخرین قدم هدایتی سوره و پس از بازداری و نهی از ایذاء پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: ولایت، امانت سنگینی است که سایر مخلوقات آن‌را حمل نکردند و انسان آن‌را حمل کرد. انسانی که به اقتضای طبیعت ظلوم و جهول خود، نسبت به این امانت خیانت می‌کند و از اطاعت و فرمان‌بری از ولایت الهی که همان امانت الهی است سرباز می‌بندد [۳۳، ج ۱۰، ص ۴۰۲]. در عین حال خداوند متعال باز راه را برای بازگشت آنان از مسیرهای مختلف باز گذاشته تا هدایت شوند و به موجب آن از پاداش و یا جزای الهی بهره‌مند گردند.

بدین ترتیب، فضای سوره احزاب، فضای تحکات مذبحخانه منافقان، برای تخریب شخصیت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و اعمال فشار بر آن حضرت، به بهانه مقابله عملی ایشان با برخی از نموده‌های فرهنگ جاهلی و ایذاء وی، با بهانه‌هایی چون ازدواج بدون عده با یک مطلقه، تعدد زوجات و همچنین مسائلی در مورد ظهار و طلاق جاهلی، احکام پسرخواندگی، موضوع حجاب و توجه به معاد و همچنین توسعه دامنه ایذاء در جامعه ایمانی مطرح است. نقش هدایتی و جنبه تشریح چگونگی مواجهه با ایذاء منافقان، کافران و معاندان سوره در این سیاق عبارت است از: خنثی ساختن بهانه‌های منافقان، تثبیت شخصیت و موقعیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و آگاه‌سازی مؤمنان، به ابتلایشان نسبت به

پذیرش ولایت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اطاعت عملی از ایشان و در نهایت حل بحران اعمال فشار و مقابله با جریان ایذاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از باب تقوای الهی به همراه تذکیر و تسبیح الهی بوده است. به عبارتی خداوند در این سیاق برای هریک از چالش‌های کفار و منافقان، راهکار هدایتی ارائه داده تا در مواجهه با آنان راهکار عملی وجود داشته باشد. اکنون به بررسی دیگر شاخصه‌ها و معیارهای موجود در این راستا خواهیم پرداخت.

۳. مؤلفه‌های درون متنی کشف محور سوره احزاب

۳.۱. اسماء الحسنی آیات

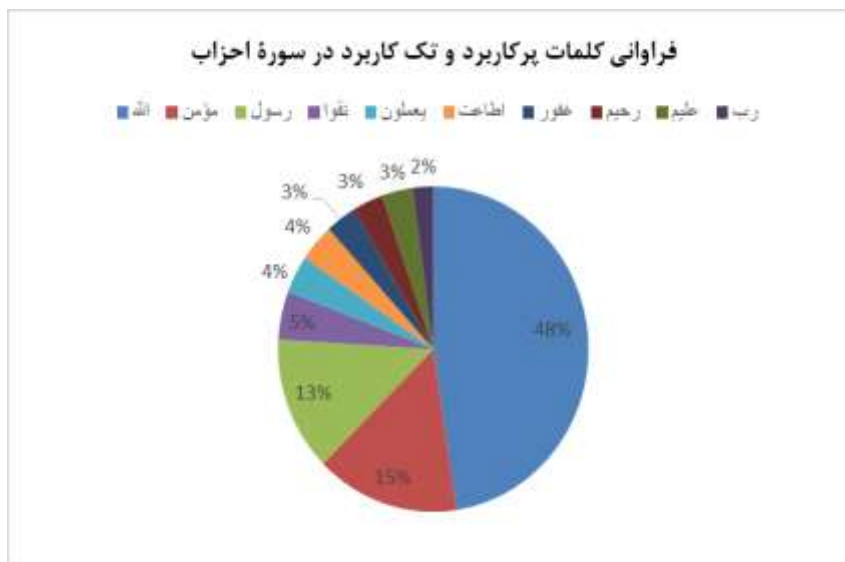
یکی از معیارهای درون‌متنی در تقویت و شناخت محور و سیاق سور، تبیین اسماء الحسنی در آن سوره است. در سوره مبارکه احزاب (۸۹) مرتبه نام «الله»، (۶) مرتبه نام علیم و حکیم، (۵) مرتبه غفور، (۴) مرتبه رب، (۲) مرتبه وکیل و سایر اسماء الحسنی نیز در این راستا چون خبیر، بصیر یک‌بار به کار رفته‌اند. «الله» اسم اعظم خداوند است و تمامی اسما تحت آن هستند؛ مظهر این اسم نیز، مظهر اعظم خواهد بود. انسان کامل نیز تنها موجودی است که از میان همه موجودات می‌تواند مظهر اسم اعظم «الله» قرار گیرد. حال از میان تمامی انسان‌های کامل رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فردی است که جلوه و مظهر صفات جمال و جلال الهی قرار گرفته است و توانایی انذار و تبشیر افراد را بر عهده داشته، تا شاید افراد هدایت شده و در مسیر حق تعالی قرار گیرند. بر این اساس چنین فردی که مسئولیت هدایت افراد را بر عهده داشته، باید خود فردی متقی بوده و سایر افراد را به تقوا و اعمال صالح فرا خواند، چنانکه خداوند در سوره مبارکه بقره یادآور شده‌اند: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» [البقره: ۳۱]. به این معنا انسان کاملی که می‌تواند مظهر تمامی اسماء «الله» باشد، قابلیت این تعلیم و هدایت دیگران را دارا خواهد بود، چرا که به صورت کلی موانع زیادی بر سر راه تکامل انسان وجود دارد، ولی مهم‌ترین آن‌ها که مانع از پیروی راه حق و پیوستن به مؤمنان می‌شود، نفس اماره و وسوسه‌های شیطانی است. انسانی که می‌خواهد به بارگاه الهی نزدیک شود و به مقصود اصلی خود وصول یابد، شیطان و وسوسه‌های او از اساسی‌ترین موانع راه اوست که راه نفوذ آن از طریق نفس اماره و اغوا نمودن فرد به پیروی نکردن از حق، از طریق ضعف‌های روحی و فکری و جسمی با عدم داشتن ایمان کافی است که مورد ابتلاء هر فردی می‌تواند باشد. شناخت خداوند در پرتو تقوا و ایمان به صفات الهی و توجه به ذات اقدس الهی در امور از ویژگی‌های لفظ جلاله الله است. نام الله برترین نام از نام‌های ذات

مقدسی است که هستی صرف و جامع و مبدأ همه کمالات است [۹، ج ۱، ص ۲۷۸]. سید قطب نیز موضع لفظ الله را در باب خداپرستی می‌داند [۱۶، ج ۴، ص ۲۳۰۲]. همراهی عبارت و مشتقات (تقوا) با لفظ جلاله «الله» شاهدی بر این امر است. علامه (ره) اسم جلاله تکرار «الله» را دال بر تأکید و تثبیت مقصود دانسته، چون این کلمه علم (اسم خاص) است برای خدا، و معنایش ذات مستجمع تمامی صفات کمال است، و قهراً تمامی اسمای الهی از آن سرچشمه می‌گیرد، چرا که این مهم انسان را به عالم نورانی اسماء و صفات حق با ایمان خالص رهنمون می‌گردد [۲۰، ج ۱۹، ص ۱۸۴]. سوره مبارکه با تشریح احکام و تبیین شرایط و ابطال رسومات جاهلی معرفت الله انسانی را پیش برده و به مواردی چون عدم اطاعت منافقان و تقوای الهی و توکل بر او، با تکیه بر علیم بودن خداوند نسبت به جریانات پیش روی افراد در آن برهه زمانی اشاره داشته، تا در نهایت به تشریح احکام و تفصیل آن‌ها بپردازد، لذا در هر مرحله با استناد به لفظ جلاله الله گامی در جهت شناساندن حق و باطل و تبیین صفات آنان در سراسر آیات می‌پردازد. با تأمل در آیات لفظ جلاله الله، در تمامی آیات به نحو بارزی به کار رفته است، تا شاهدی بر بصیر و علیم و خبیر بودن خداوند در امور مردم قرار دهد. لذا در سه بخش اساسی از آیات (ابتدایی، میانی، و پایانی)، با فراخواندن مردم به شناخت خدا، تقوای الهی و عدم اطاعت از کفار و منافقان پرداخته است. بنابر این مهم، عبارت و لفظ جلاله، در تمامی احکام و بایدها و نبایدها وارد شده، تا خداوند ناظر و شاهدی بر امور مردم به‌ویژه جنگ احزاب و همسران پیامبر و نوع تعاملات آنان و ابطال فهم‌های غلط قرار داده شود: «اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ» [الأحزاب: ۱]، بخش میانی «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» [الأحزاب: ۳۲] و بخش پایانی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» [الأحزاب: ۷۰]، در راستای عدم پیروی و تشریح احکام جدید و ترغیب افراد برای پرداختن به دستورات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز لفظ جلاله ظاهر بوده است [۱۹ و ۲۵ و ۴۸]، لذا در لابه‌لای این معارف و انوار، انسان را می‌سازد و تربیت می‌نماید، تقوا را بر وجود او ظاهر ساخته، تا سزاوار مقام نهایی انسان و وصول به جایگاه خلیفه‌اللهی یابد [۳۵، ج ۲۳، ص ۵۵۷].

۲.۳. واژگان پرتکرار و تک کاربرد سوره احزاب

یکی دیگر از راه‌های وصول به محور و غرض اصلی توجه به الفاظ پرتکرار در یک سوره بوده است؛ چرا که فراوانی واژه‌های به‌کاررفته در سوره، دال بر اثرگذاری آن در سراسر

سیاق سوره بوده است. در حقیقت یکی از مسیرها در راستای یافتن وحدت موضوعی سوره توجه به واژگان پرتکرار است [۵، ج ۳، ص ۳۱۱]. در سوره احزاب نیز کلمات کلیدی وجود داشته که با در نظر گرفتن بخش پیشین، به صورت معناداری تکرار شده و با محور اصلی سوره ارتباط تنگاتنگی داشته است. در راستای شفاف شدن این مهم به ترسیم کلمات پرتکرار و کم تکرار سوره احزاب در جدول ذیل پرداخته شده است.



با توجه به نمودار فوق، لفظ جلاله الله، جامع صفات الهی ۸۹ مرتبه تکرار شده و از پرکاربردترین کلمات در این سیاق قرار داشته است. ماده مؤمن (مؤمن) و مفهوم ایمان به خداوند از واژگان پرتکرار، ۲۸ مرتبه با عبارات مؤمنین) و مؤمنات) ۲۱ مرتبه در سیاق تبیین و تفکیک صفات مؤمنین از منافقان و نیز با خطاب (یا ایهاالذین ءامنوا) ۷ مورد تکرار شده است. ماده (رسل) فردی که انذار دهنده و مبشر است، با الفاظ رسول و نبی، مفهوم تقوا از محورهای مهم سوره، ۵ مرتبه با عبارات (اتق الله) ۴ مورد و یک مرتبه (اتقین) و چهار مورد با برآیند معنایی خشی در سیاق‌های ابتدایی و میانی و نهایی (ابطال رسومات جاهلی، احکام مربوط همسران پیامبر و دستور به تقوا) به کارگرفته شده است. سایر کلمات چون علیم، غفور و رحیم و ماده عمل، ذکر، مطیع، ۷ مرتبه در سیاق‌های گوناگون مذکور قیدشده‌اند. لفظ جلاله الله که در سوره، گاه به صورت مستقل در آیات (۷۳ و ۶۴) و گاه به صورت پیوسته به کلمات کلیدی دیگر (۷۰ و ۶۳)

همراه شده است. در آیاتی که خداوند غالباً قصد ارائه و یا فراخواندن افراد به تقوا و روی‌گردانی از مکر منافقان و یا به امید ترغیب و ایجاد انگیزه داشته، لفظ جلاله ظاهر شده است، این مهم در آیاتی که از مفهوم ایمان و یا مؤمن با عبارات مؤمنین و مؤمنات (۶۴ و ۲۳) در راستای تقویت انگیزه افراد در غالب تشریح و یادآوری پاداش و یا جزای افراد دیگر بوده، استفاده می‌شود.

خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» از ماده «ءامن»، ۷ مرتبه در این سوره آمده، دال بر این مفهوم بوده که حال که شما ایمان آورده اید و در برابر حق تسلیم شده‌اید و با خدای خود پیمان اطاعت بسته‌اید، باید به مقتضای این پیمان، به دستورهایی که پشت سر این جمله می‌آید، عمل کنید و به بیان دیگر، ایمان شما ایجاب می‌کند که این دستور را به کار ببندید، حال متناسب با این مهم دستوراتی که به افراد با ایمان داده شده که به موجب ایمان این افراد، باید تقوا پیشه کنند و تبعیت و پیروی کردن از دستورات و احکام الهی و اجتناب از وسوسه شدن و یا قرار گرفتن در گروه منافقان از ایشان انتظار نخواهد رفت (۶۹ و ۷۰). نبی به عنوان یک انسان کامل، در تعامل با منافق و مؤمن و مشرک سومین کلمه پرکاربرد در متن بوده که وی نیز از جمله افرادی بود که مورد خطاب مستقیم خداوند قرار گرفته و به تقوای الهی به‌عنوان یک تسلیت و دلگرمی از رفتارهای آزاردهنده منافقان بوده است. از آنجایی که فرد با ایمان می‌بایست به مقتضای ایمان خود عمل نموده و آن را در عمل، رفتار، گفتار خود ظاهر سازد، خداوند پس از فراخواندن مردم در مواجهه با منافقان و رسومات بی‌اساس آنان، با یادآوری اقوام گذشته، همگان را به عمل نمودن و پیروی از رسول الهی دعوت نموده و از کارشکنی مشرکان خبر داده و بر حضور و ناظر بودن خداوند و شاهد بر اعمال آنان خبر داده است: «إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» [الأحزاب: ۹]. همچنین در آیات دیگر به انجام دادن اعمال صالح و رضایت‌بخش خدا و رسولش نیز هشدار داده است (۷۱) و در آیات دیگر به پاداش اعمال آنان در قالب فعل (يعمل) در راستای ایجاد انگیزه اشاره داشته است: «وَمَنْ يُقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ» [الأحزاب: ۳۱]. در همین راستا نیز به شناساندن عملکرد منافقان، تذکر و حبط شدن اعمال دیگر افرادی که گرفتار راه منافقان شده اشاره داشته است (۱۹) اطاعت و فرمان‌برداری از خداوند نیز هم ردیف ماده (عمل) به یک میزان ۷ مرتبه به کار رفته است، کاربرد این مفهوم با در نظر گرفتن سایر واژگان

پر کاربرد، نقش اثرگذاری در تعیین محور و غرض اصلی خواهد داشت. فرمان‌برداری از یک فرد و چه بسا یک دین زمانی صورت می‌گیرد که شخص ایمان و اعتقاد راسخی به گفته‌های آمر داشته باشد، در غیر این صورت نافرمانی و عواقب و نتایج آن شکل خواهد گرفت. در آیه سی و سوم سوره مبارکه احزاب بیان داشته، طاعت خدا در این آیه عبارت است از امتثال تکالیف شرعی او و اطاعت رسولش به این است که آنچه با ولایتی که دارد امرونی می‌کند، امتثال شود، چون امرونی او نیز از ناحیه خدا جعل شده، خدا او را به حکم «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، ولی مؤمنان کرده و فرمان او را فرمان خود خوانده است [۲۰، ج ۱، ص ۴۲۲]. کلمه «ذکر» در مجموعه سوره، به همراه سایر کلمات دیگر چون «رحیم»، «غفور» و «علیم»، ۷ مرتبه به کار رفته و هریک از آن‌ها دلیل خود را دارا بوده است. مفهوم ذکر یادآوری نعمات الهی بر برندگان و یا پندآموزی از سایر اقوام و گذشتگان در سوره مختلف قرآن کریم چون داستان داوود [ص: ۱۷]، ایوب [ص: ۴۱]، هود و قوم عاد در سرزمین احقاف [الأحقاف: ۲۱] به کار رفته است. لذا این مسئله بیانگر اهمیت داستان و قصص قرآنی است و به نوعی شنونده را به شناخت و تدبر در داستان تشویق می‌نماید، تا شاید با شناخت بیشتر و عمیق‌تری مسیر خود را انتخاب کنند [۲، ج ۱۶، ص ۲۰].

۳.۳. افتتاح و اختتام آیات سوره احزاب

از جمله قرائن برای تبیین و ترسیم سیاق درونی و کاربردی سوره قرآنی، توجه به شاخصه‌هایی اعم از شروع و پایان و نیز وجه ارتباط با یکدیگر و نیز اسماء الحسنی و کلمات پر کاربرد و محوری آن بوده است. سوره مبارکه احزاب، در آیات ابتدایی یکم و دوم، به تقوای الهی و نافرمانی از منافقان و پیروی نمودن در پی درخواستی که از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در امور داشتند، شروع شده و با اسماء الحسنی علیهم و خبیر به پایان رسیده است. در آیات پایانی (۷۲ و ۷۳) نیز با اسماء الحسنی رحیم به پایان رسیده و مجدداً به موضوع تقوای الهی و اطاعت از فرامین الهی و پیروی نمودن از منافقان و کفار پایان یافته است: بر اساس شروع و پایان و تأمل در موضوعیت و سیاق درونی و محتوایی آیات باید بیان داشت سیاق سوره از منظر افتتاح و اختتام در باب تقوای الهی پیشه نمودن با استفاده از اطاعت از فرامین الهی و نافرمانی منافقین صورت گرفته، چرا که تقوای الهی در نمود عملی مطیع بودن قابل تبیین است، چنان‌که مداومت بر عمل

صالح، روز به روز بر ایمان آدمی می‌افزاید، آن را ارتقاء می‌دهد و او را تا قرب الهی پیش می‌برد [۱۵، ج ۳، ص ۵۹]. ملزوم بودن تقوا در بعد عملی با استفاده از نهی از اطاعت کافران و گناهکاران است [۲۲، ج ۸، ص ۳۱۲]. در این باره در سیاق برون‌متنی این مهم چون شأن نزول چنین بیان شده که بعد از جنگ احد، ابوسفیان بن حرب، و عکرمة بن ابی جهل، و ابی‌الاعور سلمی به همراه عبد الله بن سعید بن ابی سرح، و طعمه بن ابی‌رقبه به ملاقات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رفتند و به حضرت پیشنهاد دادند دست از تکذیب و ناسزا گفتن خدایان آنان بردارند تا آنان نیز چنین کنند، حضرت پس از رد کردن درخواست مذکور، آنان را از مدینه بیرون کرد، در این زمان، آیه «وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ» در این باره نازل شد، که مراد از کافرین کفار اهل مکه ابوسفیان و ابوعور سلمی و عکرمة است، و مراد از وَالْمُنَافِقِينَ ابن ابی، و ابن سعید، و طعمه است [۲۴، ج ۴، ص ۲۳۳]. بنابراین، پس از درخواست این مهم از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله خداوند ایشان را به عدم سازش با مشرکان فراخواند و او را به تقوای الهی و اطاعت از فرمان الهی فراخواند. با در نظر گرفتن سبب نزول مذکور و علیم بودن خداوند به نیت‌های درونی منافقان، راهکار کاربردی نیز پرواضح است. تبیین آیات میانی و مواجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با درخواست‌های منافقان و ایذاء نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در رابطه با مسائلی که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد، حفظ تقوای الهی با استفاده از چگونگی رویارویی با مکر منافقان، می‌تواند از محورهای اصلی سوره مبارکه احزاب قرار گرفته و سایر مباحث میانی نیز مکمل این موضوع باشد.

سوره آغاز سخن خود را با علم و حکمت و تقوا خود شروع نموده و نیز در پایان سخن با غفار بودن و رحیم بوده نیز به اتمام می‌رسد به این معنا که، از آنجایی که چیزی در علم خداوند پنهان نیست و خداوند نسبت به همه امور علّام الغیوب است، نسبت به عملکرد کافران و مؤمنان علیم بوده و می‌داند که سرانجام اینان با اختیار خود به بیراهه می‌روند، اما باز راه را به روی آنان با توبه و استغفار باز گذاشته تا به سبب اسم غفار خداوند مورد مغفرت قرار گیرند و مورد رحمانیت الهی قرار گیرند، چرا که رحمان از الطاف ویژه الهی است و همگان مورد رحمت الهی قرار گرفته‌اند. خداوند کثیرالرحمه است، به گونه‌ای که شامل حال عموم موجودات و انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر می‌شود [۱۰، ص ۵۵]. بنابراین هدف از تکرار اسم «الله» در سراسر سوره، این بوده که قلب انسان سرچشمه رحمت الهی قرار گیرد و با خدانشناسی و ایمان به او و فرستاده او تقوای الهی

پیشه کنند و این مهم در عمل و کردار آنان با پیروی نکردن از کفار و منافقان ظاهر گردد، تا شاید این امر به دیگران انتقال یابد و در مسیر الهی قرار گیرند.

۴. نتیجه‌گیری

سوره احزاب از جمله سور مدنی قرآن کریم، دربرگیرنده موضوعات و مسائل متعددی از زمان هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه است که دارای یک ساختار و نظام منسجم و هماهنگ، بدون هیچ تناقض و اختلافی است که همگی در یک جهت با راهکارهای هدایتی و مستدل به منظور ابطال فرهنگ و رسومات باقی‌مانده از جاهلیت، جنگ احزاب و پیامدهای ناظر به آن، تبیین نوع برخورد همسران و چگونگی نوع ارتباط آنان با دیگران، مواجهه با مشرکان و کارشکنی‌های آنان برای ایذاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از موضوعات مهم درونی سوره مبارکه بوده است. پس از بررسی همه جانبه سیاق و در نظر گرفتن مضامین درونی و مهم‌ترین مقوله، در نظر داشتن مدنی بودن سوره، چرا که در این برهه زمانی اسلام باید گونه کاربردی در مدینه برای افراد به خود می‌گرفت، تا مردم در سایه شناخت بنیادی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و دعاوی ایشان، اعتقاد راسخ‌تری نسبت بدان بیابند و مؤمنان حقیقی وظایف خود را در برخورد با مسائل گوناگون انجام داده و به مرحله عمل برسانند. لذا در این باره می‌تواند محور و غرض سوره مبارکه را در این دو جنبه، ابتدا رویکرد بنیادی «خداشناسی در پرتو ایمان و تقوا الهی» و نیز در باب جنبه کاربردی آن «در اعمال افراد و پیروی نمودن از خدا و رسول او و عدم اطاعت از غیر حق (منافق و مشرک)» به شمار آورد. زمانی این مهم بیش‌ازپیش روشن می‌گردد که عناصر درون‌متنی سیاق چون ارائه راهکارهای هدایتی و تشریح و تفصیل احکام در شرایط گوناگون (در بعد عملی) در نظر گرفته شود و سایر راه‌ها چون تأمل در اسماء‌الحسنی به کار رفته در سراسر سوره و توجه در مضمون آیات بخش‌های ابتدایی و پایانی و کلمات پرتکرار و اثرگذاری آن در تعیین رویکرد و غرض این سوره (در مرحله شناختی)، مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در بخش ابتدایی آیات به تقوای الهی و عدم اطاعت از کافر و منافقان امر شده، در بخش میانی به ابطال قوانین جاهلی و تبیین اوصاف مؤمن و منافق در جنگ احزاب، در این بخش نیز مجدد از عنصر تقوا و اطاعت یاد شده و سرانجام در بخش نهایی با تذکر به سرگذشت اقوام پیشین، منافقان را به توبه و بازگشت به مسیر الهی و به قرار گرفتن در پرچم رحمانیت و مغفرت الهی فراخوانده است. عنصری که این

اصل را مستدل می‌سازد، استفاده وافر از لفظ جلاله الله و توصیه به ناظر، عالم و آگاه بودن خداوند بر تمامی اعمال افراد است، تا مردم با در نظر گرفتن این مهم، ترغیب و هدایت شوند؛ بنابراین خداشناسی موجب تقوایشه کردن و پیروی نمودن از دستورات الهی است، به عبارت دیگر، شناخت خداوند، ایمان راسخ و انجام اعمال صالح مقدمه وصول به انسان کامل شدن است؛ بنابراین سراسر سیاق درونی سوره احزاب ساختار کاملاً هدفمند و هماهنگ در راستای محور و غرض اصلی سوره را داراست.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن عاشور محمد بن طاهر (ق). التحرير و التنوير. بيروت، مؤسسه التاريخ.
- [۳]. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۴]. بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. چاپ ششم، تهران، انتشارات صدر.
- [۵]. بستانی، محمود (ق). التفسیر البنایی للقرآن الکریم. مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- [۶]. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۱۵). نظم الدرر فی تناسب الایات و السور. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۷]. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۸]. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید. چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان.
- [۹]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم. ویرایش: علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء.
- [۱۰]. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری. تهران، انتشارات میقات.
- [۱۱]. حماده، فاروش (۲۰۰۹). اسماء الله الحسنی فی القرآن الکریم و السنه النبویه. قاهره، دارالسلام.
- [۱۲]. حوی، سعید (۱۴۱۲). الأساس فی التفسیر. قاهره، دارالسلام.
- [۱۳]. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۶). ساختار هندسی سوره‌های قرآن. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۱۴]. دروزه، محمد عزه (۱۳۸۳). التفسیر الحدیث. قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- [۱۵]. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج. بیروت دمشق، دارالفکر المعاصر.
- [۱۶]. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (ق). تفسیر بحر العلوم. بیروت، دارالفکر.
- [۱۷]. سید قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت، دارالشروق.
- [۱۸]. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- [۱۹]. صدر، محمدباقر (۱۴۱۰). دروس فی علم الأصول. قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۰]. طالقانی، محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- [۲۱]. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۲]. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی.

- [۲۳]. طوسی، محمد بن حسن (؟). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۴]. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران، انتشارات اسلام.
- [۲۵]. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). نور الثقلین. چاپ چهارم، قم، انتشارات اسلامی.
- [۲۶]. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۷]. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). تفسیر من وحی القرآن. بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
- [۲۸]. قمی مشهدی، محمدرضا (۱۴۲۳). کنز الدقائق و بحر الغرائب. قم، انتشارات دارالغدیر.
- [۲۹]. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
- [۳۰]. کاشفی سبزواری، حسین بن علی (؟). تفسیر حسینی (مواهب علیه). سراوان، کتابفروشی نور.
- [۳۱]. کوثری، عباس (۱۳۹۲). نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۳۲]. گلدزبهر، ایگناس (۱۳۸۳). گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان. ترجمه: ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس.
- [۳۳]. محمد، رشید بن علی رضا (۱۹۹۰). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- [۳۴]. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین.
- [۳۵]. مراغی احمد بن مصطفی (؟). تفسیرالمراغی. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۶]. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۳۷]. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار. تهران، انتشارات امیرکبیر.

